کاربرد نظریه های یادگیری در کلاس درس

از مجموعه‌ی "فیلسوف‌ها چطور معلمی می‌کنند؟"

طراح و مدرس: الهام فخرایی



رسا؛ شبکه تجربه نگاری معلمان ایرانی

حقوق مادی و معنوی این دوره متعلق به مدرسه رسا و مولف است. هر گونه تکثیر و توزیع آن به صورت انبوه یا محدود در هر شکل و قالبی مجاز نیست.

ElhamRasaschool.org

درس یک: افلاطون در کلاس درس

اندیشه گرایی؛ فکرها مهم تر هستند یا کارها؟

مقدمه	نام "**افلاطون**" با اندیشه‌گرایی (ایده‌آلیسم) گره خورده است. اندیشه‌گرایی از قدیمی‌ترین فلسفه‌ها و نظام‌های فکری است که هنوز هم چشم‌اندازهای فرهنگی-تربیتی مهم و ارزشمندی برای آموزش و پرورش فعلی دارد و بر جریان آن تاثیر می‌گذارد. به نحوی که بسیاری از عملکردهای فعلی در حوزه تعلیم و تربیت رسمی، گاهی حتی بدون اینکه متوجه باشیم، ریشه‌اش به این نظریه برمی‌گردد. اندیشه‌گرایی همان طور که از اسمش برمی‌آید روی **ایده**، **نظر**، **اندیشه** و **فکر** تاکید دارد و تلاش می‌کند مدرسه، برنامه درسی و معلم را در همین راستا هدایت کند. در این درس می خواهیم کاربرد نظریه‌ی **اندیشه-گرایی** را در کلاس درس بررسی کنیم و ببینیم اگر افلاطون می خواست برای برگزاری کلاس درس و مدرسه برنامه ریزی کند، چه پیشنهادهایی داشت و ما چه تجربه ها و موقعیت های مشابهی را می توانیم در تجربه های آموزشی فعلی پیدا کنیم.
موقعیت های فرضی	حالا با هم تعدادی موقعیت فرضی را مرور می‌کنیم تا ببینیم این مفاهیم چطور در مدرسه به کار گرفته می‌شوند و چه پیامدهای منفی یا مثبتی دارند. موقعیت‌های فرضی زیر را در نظر بگیرید: **موقعیت های فرضی در مدرسه:** – آقای صادقی معلم کلاس ششم به والدین بهترینِ دانش آموزِ کلاس توصیه می کند که سال بعد حتما او را در مدرسه تیزهوشان ثبت نام کنند. – خانم حبیبی سعی می‌کند بفهمد هر کدام از شاگردانش در چه زمینه‌ای استعداد دارد و کمک کند تا این استعدادها شکوفا شوند. – آقای صباحی هیچ وقت جواب سوالاتی را که شاگردان می‌پرسند، بلافاصله نمی‌دهد. بلکه همیشه با طرح سوال‌های بیشتر آنها را هدایت می‌کند تا به جواب درست برسند. – مدیر در جلسه با معلم‌ها تاکید می‌کند که معلم باید الگو باشد، بنابراین در نوع رفتار و پوشش در کلاس دقت کنید.

	– معلم کلاس سوم به همکارش می گوید: من از همان اولین جلسه می توانم تصمیم بگیرم کدام دانش آموز تنبل است و کدام زرنگ و همیشه حدسم درست از کار درآمده! – از وقتی خانم عفتی مدیر آموزشی مدرسه شده، دانش‌آموزان برای رفتن به کلاس و مدرسه اشتیاق بیشتری نشان می‌دهند، به خصوص که برای هر درسی، برنامه موضوعی مشخصی دارند. – خانم رسولی معلم پایه ششم، هیچ کدام از کلاس‌های ورزش، هنر، علوم دینی، علوم طبیعی و ریاضیات را نادیده نمی گیرد، ولی برای درس ریاضی برنامه‌های فوق العاده ای ترتیب می‌دهد. – مدیر مدرسه به معلم کلاس هفتم تذکر می‌دهد که در این مدرسه همه دانش‌آموزان در شرایط برابر تحصیلی قرار دارند و آن‌هایی که از طبقات اجتماعی و اقتصادی بالاتر هستند، نباید خدمات بیشتری دریافت کنند. – معلم پایه نهم می گوید: دانش آموزان جدید اصلا آداب و ارزش های اخلاقی را رعایت نمی کنند، ما چطور رفتار می کردیم و اینها چطور رفتار می کنند؟
پیش اندیشی	آیا تجربه مشابهی دارید؟ نظر شما چیست؟ با این موارد موافق اید یا مخالف؟ چرا؟ توضیح دهید.
مفاهیم کلیدی	همان طور که قبلا اشاره شد، چهره برجسته این دیدگاه به ویژه در مباحث تعلیم و تربیت، افلاطون است. البته اگر بخواهیم درباره نظریه‌ی اندیشه‌گرایی و دیدگاه های افلاطون صحبت کنیم، نکات زیادی را باید مطرح کرد. اما در این دوره ما روی مهمترین نکات هر نظریه و مهمترین چهره های هر نظریه به طور خاص در **تعلیم و تربیت** متمرکزیم. پس در ادامه برخی نکات کلیدی در نظریات این فیلسوف را که در آموزش و پرورش به کار می‌آید، با هم مرور می کنیم: 1. **اصل حقیقت** ایده‌آلیسم ها به وجود ایده یا "واقعیت کلی" باور دارند که وابسته به زمان، مکان یا موقعیت خاصی نیست و هیچ وقت تغییر نمی‌کند. آن ها ایده‌ها را در دسته علوم عقلانی و انتزاعی قرار می‌دهند و درست به همین دلیل، یادگیری را فرایندی عقلانی و هدفِ آموزش و پرورش را **ارتقای سطح شناختی** می‌دانند. خب همین نگرش در عمل متنهی می شود به اینکه بعضی از دروس برای آن ها

اهمیت بیشتری پیدا می کند و در زمان حاضر باز هم روی باهوش تر کردن دانش آموزان یا هوش افزایی تاکید کنیم یا مثلا به عنوان معلم یا والدین، تفریح کردن را وقت تلف کردن بدانیم. از طرفی اندیشه گراها چون برای حقایق، ارزش ذاتی و معنوی قایل‌اند، در کنار فعالیت های شناختی، روی ارزش ها هم تاکید ویژه ای دارند و معتقدند با خودکاوی درونی و از طریق **الگوسازی** و پرورش منش یا همان **ارزش‌های اخلاقی** می توان به توان عقلی بالا به عنوان هدفِ مطلوبِ آموزش و پرورش دست یافت. بنابراین شخصیت معلم، دروسی که دانش آموز باید به ذهن بسپارد و همین طور توجه به ارزش‌ها برای این گروه در اولویت است. حالا به نظر شما این جمله که معلمی شغل انبیاست، تا چه اندازه با این دیدگاه همخوانی دارد؟

2. خودفعالی

معلم باید فعالیت خودجوش دانش‌آموز را در اولویت قرار دهد، یعنی تلاش کند با جذاب‌تر کردن محتوا و شیوه‌ی ارائه، تدریس و اداره‌ی کلاس، علاقه‌ی شاگرد را تحریک کند و در عین حال محیطی غنی برای یادگیری فراهم کند. طبق این نظریه، همه‌ی دانش‌آموزان علایق درونی و ذاتی دارند که اگر به درستی به آن توجه شود، نیروی محرکه مناسبی برای یادگیری و سخت‌کوشی آنها فراهم می‌کند و نیازی به اعمالِ فشارِ بیرونی نیست، بلکه طبق مفهوم یادآوری، آنها می‌توانند مفاهیم و کاربردها را با هدایت درست معلم به یاد بیاورند. درواقع هر دانش‌آموز استعداد مشخصی دارد که باید آن را شکوفا کند و معلم هم باید دانش‌آموز را در همان جهت راهنمایی کند. بنابراین معلم اندیشه‌گرا در کلاس درس روی پرسیدن سوال و کندوکاو شخصی دانش آموزان تاکید بیشتری دارد و تلاش می کند یادگیری یک فرایند شخصی باشد و شاگرد خودش یاد بگیرد و انگیزه دانش‌آموز را با ترفندهای مختلف برای یادگیری بالا می برد. شما چه ترفندهایی را برای بالا بردن انگیزه دانش آموزان به کار می گیرید؟

3. میراث فرهنگی

سرمایه‌ی فرهنگی یا میراث فرهنگی، همه‌ی اندیشه‌ها، آثار و نظریه‌های ارزشمندی است که از گذشته به جا مانده و باید به عنوان منبعی برای تحریک فکری و آموزش ارزش‌ها در برنامه درسی گنجانده شود؛ مثلا آثار شاعران یا نویسندگان بزرگ. به نظر اندیشه‌گراها این آشنایی غنای فکری دانش‌آموز را افزایش می‌دهد، همین طور که در مقاطع بالاتر برخی معلم ها یا استادهای دانشگاهی اصرار دارند که به جای کتاب های دست چندمی که به یک نویسنده یا فیلسوف یا نظریه ای پرداخته، مستقیما اثر اصلی و منابع دست اول را تدریس کنند. در مدارس فعلی و کتاب های درسی این شیوه کمتر مرسوم است، اما همیشه گزیده ای از آثار در محتوای کتاب درسی گنجانده می شود، کمااینکه برخی معلم

مفاهیم کلیدی

ها در فعالیت های جانبی به آثار اصلی ارجاع می دهند. شما چطور؟ آیا تا به حال آثار دست اول را خوانده اید؟ یا آن ها را به دانش آموزان تان معرفی کرده اید؟

4. **یادآوری:**

اصل یادآوری یا بازشناسی یعنی باور به این که یک حقیقت کلی وجود دارد که همه افراد به طور درونی و فطری از آن آگاه هستند، هر چند فعلا آن را فراموش کرده‌اند. بنابراین چالشِ تعلیم و تربیتِ اندیشه‌گرا این است که کمک کند تا شاگرد این آگاهی فراموش شده را بار دیگر به یاد بیاورد. این به یادآوردن و پیشاپیش آگاه بودن هم در مورد دانش و هم ارزش‌ها به کار گرفته می‌شود؛ به همین دلیل سقراط به عنوان اولین معلم اندیشه‌گرا تلاش می‌کرد با طرح پرسش برای مردم آتن، حقایق را به آنها یادآوری کند تا جایی که داستان مشهوری از او نقل شده که فقط با طرح پرسش به برده‌ای که قبلا هیچ آموزشی ندیده بود، کمک کرد تا یک مساله ریاضی را حل کند. افلاطون هم به عنوان شاگرد سقراط همین روش را در پیش گرفت. با توجه به این اصل معلم هرگز برای جواب دادن به پرسش دانش آموز عجله نمی کند، بلکه تلاش می‌کند با طرح پرسش او را به جواب برساند.

5. **روش سقراطی**

معلم به عنوان یک فرد آگاه با استفاده از **روش سقراطی** یعنی گفت‌وشنود و پرسشگری دیالکتیک تلاش می‌کند تا همه اعضای کلاس را در جوی مثبت با محتوای درسی درگیر کند. سوالات ماهرانه‌ای که معلم طرح می‌کند نه تنها مشارکت و رغبت جمعی ایجاد می‌کند، بلکه ابزاری برای هدایت دانش-آموزان به حقایق درست است. معلم با پرسشگری، نه تنها یادگیری عمیق و فعالانه را در کلاس اجرا می‌کند، بلکه به شادگردان می‌آموزد که بدون تامل و بررسی نشده چیزی را نپذیرند. در روش سقراطی، معلم هر سوال را با سوال تازه‌ای جواب می‌دهد تا اینکه دانش‌آموز در نهایت، خودش به جواب درست و مدّنظر برسد.

6. **برنامه‌ی درسی موضوع محور و مدرسه**

اندیشه‌گرایی چه در مورد افراد و چه موضوعات درسی، مروج بینش سلسله مراتبی است و معتقد است بعضی موضوعات برای بعضی افراد از اولویت بیشتری برخوردارند. همان طور که افلاطون جامعه را به یک انسان (جامعه ارگانیک) تشبیه می کرد که بعضی ها در آن نقش‌های کلیدی تری دارند و به آموزش‌های ویژه تری هم نیاز دارند. بنابراین مدرسه با دیدگاه افلاطونی در راستای اهداف جامعه‌ی ارگانیک و پیروی از حقیقت کلی، برنامه‌ی درسی متنوع و موضوع محور ترتیب می‌دهد؛ شامل علوم عقلی مانند ریاضیات، منطق، فلسفه و نیز تجربه های زیباشناسانه مانند هنر،

ادبیات، نمایش، نقاشی، مجسمه سازی، موسیقی و ... و ضمن ارتقای توانایی شناختی شاگردان، آنها را با میراث فرهنگی نیز آشنا می‌کند.

مطالعه‌ی بیشتر

دانستن این نکات به فهم بهتر این نظریه کمک می‌کند:

- **جامعه ارگانیک و طبقاتی: افلاطون جامعه را به یک بدن زنده تشبیه می کرد که هر کدام از افراد فقط می توانند در بخش مشخصی از آن ایفای نقش کرده و به بقای آن کمک کنند. بنابراین جامعه افلاطون از سه گروه تشکیل شده است:**

حاکمان که در حکم مغز جامعه هستند و از توانایی عقلی بالایی برخوردارند، به همین دلیل آموزش های ویژه ای در زمینه علوم انتزاعی مانند ریاضیات، فلسفه و منطق دریافت می کنند. گروه دوم سربازان یا نظامی ها که شجاعت و تهور بیشتری دارند و حفاظت از جامعه به عهده آنهاست، این گروه به دست و پای جامعه تشبیه می شوند و در مدارس نظامی آموزش می بینند و گروه سوم کارگران هستند که فاقد توانایی یادگیری علوم عقلانی و انتزاعی هستند ولی در انجام کارهای تولیدی و خدماتی تبحر دارند؛ این گروه دستگاه گوارش جامعه محسوب می شوند. در این تقسیم بندی همه گروه ها مهم هستند، اما هر کدام بر اساس استعدادی که دارند، آموزش دریافت می کنند و در همان زمینه به بهترین شکل نقش خود را ایفا می کنند.

- **اندیشه‌گرایی در تعلیم و تربیت به طور خلاصه روی سه مورد تاکید می‌کند: آموزش و پرورش به عنوان فرایند شکوفاسازی استعدادهای نهفته، معلم به عنوان الگوی اخلاقی و روش تدریس سقراطی به منظور تحریک یادآوری و شاگردآموزی.**

- **حقیقت کلی: اندیشه‌گراها به یک حقیقت کلی (که آن را مُثُل می نامند) باور دارند و به همین دلیل در برنامه درسی آنها موضوعات نظری و به ویژه حقایق کلی جایگاه ویژه ای دارد. حقایق کلی یعنی آنچه در طول زمان تغییر نمی کند. خب به نظر شما چرا در مدارس به درس ریاضی اهمیت بیشتری داده می شود؟ افلاطون آن قدر به ریاضیات اهمیت می داد که روی سر در آکادمی اش نوشته بود:"کسی که ریاضی نمی داند، وارد نشود."**

چهره های مشهور در حوزه تعلیم و تربیت:

سقراط، افلاطون، دیویی، فروبل

راهکارهای عملی در مدرسه	حالا که با مفاهیم کلیدی "اندیشه‌گرایی" و نظریات افلاطون در تعلیم و تربیت آشنا شدیم، برخی راهکارهای پیاده سازی این نظریه را به شکل درست در مدرسه با هم مرور می‌کنیم: **راهکارهای عملی:** 1. درس ریاضی و دروسی مانند ادبیات، هنر و... به یک اندازه ارزشمند هستند. معلم با توجه برابر به دروس مختلفی که در برنامه درسی گنجانده شده، پیوستگی و ارتباط علوم عقلانی با امور ارزشی، زیباشناسانه و عاطفی را حفظ می‌کند. 2. معلم به طور غیرمستقیم و با طرح پرسش دانش‌آموز را به اهداف مطلوب آموزشی و پاسخ های درست هدایت می کند. 3. در کلاس اندیشه‌گرا معلم موضوعات را در بین شاگردان به بحث و گفتگو می‌گذارد، ولی نسبت به نتایج و جواب هایی که دانش آموزان مطرح می کنند، بی‌تفاوت نیست، بلکه تلاش می‌کند آنها را به حقیقت مطلوب برساند. 4. یادگیری جمعی و کاوشگرانه در این کلاس اجرا می شود. 5. معلم به عنوان الگویی بهره‌مند از ارزش‌های اخلاقی و صاحب نظر، رابطه‌ای دوستانه با شاگردان برقرار می‌کند تا آنها بتوانند از شخصیت و منش معلم الگوبرداری کنند. 6. معلم دانش‌آموزان را برای پذیرش و ایفای نقش‌های اجتماعی مناسب در آینده، آماده می‌کند. 7. معلم به عنوان فرد مطلع و آگاه، هرگز اطلاعات اشتباه یا مخدوش را در کلاس تایید نمی کند یا نادیده نمی گیرد. 8. معلم با طرح وضعیت های فرضی و پرسش‌های مناسب با روش سقراطی تلاش می‌کند دانش‌آموزان ضمن برقراری رابطه عاطفی و انگیزشی با محتوای درسی، مهارت‌های عقلانی نظیر تفکر نقادانه را کسب کنند.
فرم ارزیابی ویژه معلم	در پاسخ به پرسش‌های ارزیابی به خودتان از یک تا ده نمره بدهید یا به شکل توصیفی خودتان و کلاس را ارزیابی کنید. خیلی زیاد 10 زیاد 8 خوب 6 متوسط 5 کم 4 خیلی کم 2 اصلا صفر

	1. اهداف و برنامه‌های من در کلاس تا چه اندازه برای دانش‌آموزان مشخص است؟ کلاس تا چه حد با این برنامه همراهی می‌کند؟ 2. آیا برنامه بلند مدتی برای کلاس مشخص داریم؟ این برنامه تا چه حد اشتیاق دانش آموزان را برمی-انگیزد؟ 3. آیا درسی را به نفع درس دیگری حذف می‌کنم؟ چه درسی؟ چرا؟ 4. ارتقای سطح شناختی دانش آموزان تا چه حد در دستور کار کلاس و تدریس مورد توجه است؟ 5. آیا دروس یا محتواهایی وجود دارند که مستقیما در زندگی روزمره و فعلی شاگردان کاربردی ندارد، ولی معتقدم یادگیری آن‌ها فی نفسه ارزشمند است؟ تا چه حد؟ چه دروسی؟ 6. آیا طبقات اجتماعی در کلاس من موضوع تعیین کننده‌ای است؟ مثلا دانش آموزی از یک طبقه پایین تر یا بالاتر در این کلاس پذیرفته نمی شود؟ آیا چنین تنوعی در کلاس من وجود دارد؟ چه مواردی؟ 7. آیا بافت (طبقه اقتصادی، موقعیت اجتماعی، جایگاه فرهنگی) در این کلاس تعیین کننده است؟ چطور می‌توانم در جهت محقق ساختن استعدادهای شاگرد از این بافت کمک بگیرم یا آن را تعدیل کنم؟ 8. چطور می‌توانم از ارزیابی خودم مطمئن شوم؟ از چه کسانی می‌توانم برای تعدیل یا اصلاح دیدگاه کلاس یا خودم کمک بگیرم؟
پس اندیشی	یکبار دیگر پرسش های بخش پیش‌اندیشی را مرور کنید. آیا پاسخ های شما به این سوالات تغییر کرده است؟ آیا در موقعیت‌های فرضی، نشانه هایی از اندیشه‌گرایی پیدا کردید؟ توضیح دهید. به نظر شما آگاهی از این نظریه تا چه اندازه برای شما و سایر معلم ها مفید است؟ آیا می‌توانید آن را در کلاس درس استفاده کنید؟ چه پرسش هایی برای شما مطرح شده است؟ می توانید این پرسش‌ها را با دوره در میان بگذارید و راهنمایی لازم را دریافت کنید.

فعالیت	• بر اساس روش سقراطی یک طرح درس برای یک جلسه تنظیم کنید. • از یک یا چند کتاب درسی، چند درس را انتخاب و مشخص کنید، سپس بررسی کنید بر اساس ایدئالیسم این درس ها تا چه اندازه اولویت دارند. • به نظر شما در حال حاضر چه جنبه هایی از مدرسه، برنامه درسی، روش تدریس با ایدئالیسم همخوانی دارد؟ آیا با این جنبه ها موافقید؟ چرا؟ چه نقدهایی به این نظریه وارد است؟ • به عنوان معلم یا مسئول برنامه ریزی درسی، برنامه یک هفته دانش آموزان در یک مقطع را آن طور که مایلید تنظیم کنید. این برنامه تا چه حد از ایده‌آلیسم پیروی می کند؟ چرا؟ چطور؟